



وژنه نامه
«شب آخر ماه رمضان»



ویرانه شب آخر ماه رمضان



اعمال شب آخر ماه رمضان

اعمال مهمی در این شب برای اهل بیداری وجود دارد از قبیل:

عملی برای قبول شدن اعمال ماه رمضان

۱- برای قبول شدن اعمال ماه رمضان این عمل وارد شده است:

بگوید: فرض کن «روایات تسامح» این روایات را مانند روایات قطعی گردانید، ولی از کجا یقین کنیم که این عمل قبول می‌گردد تا به فایده مذکور یقین پیدا کنیم؟ در جواب می‌گوییم: این اشکال در وعظ نیز موجود است، در حالی که این مشکل در این عمل کمتر از وعظ می‌باشد.

زیرا اصلاح نیت در وعظ از چند جهت مشکلتر از اصلاح نیت در عبادات است. که واضحترین آن همین است که وعظ مناسب با دوستی مقام است، همچنین وعظ فقط در میان جمعیت کثیری از مردم امکان پذیر است که موجب مشکل شدن اصلاح نیت می‌گردد.

عملی از امام زین العابدین علیه السلام در این شب

۲- از کارهای مهم مطالعه مطالب و کارهایی است که از امام زین العابدین علیه السلام در این شب نقل شده و اندیشیدن در مقام، عبادت، تلاش زیاد و عمل اوست. آنگاه ببیند که خود با این بدحالی، مقام پست و کوتاهی در عبادت پروردگارش، چه باید بکند.

سید ما قدس سره در کتاب اقبال از شیخ ابی محمد هارون بن موسی التلعکبری رحمه الله و او از محمد بن عجلان نقل کرده است که گفت:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «هنگامی که ماه رمضان می‌آمد علی بن الحسین علیهما السلام هیچ غلام و کنیزی را نمی‌زند و اگر گناهی از آنان سر می‌زد، آنان را مجازات نمی‌کرد و فقط پیش خود در کاغذی می‌نوشت فلان غلام یا فلان کنیز روزی چنین و چنان کرد و تأدیب آنان را تا آخرین شب ماه رمضان به تأخیر می‌انداخت و در این شب آنان را می‌طلبید و گرد خود جمع می‌کرد. آنگاه نوشته خود را آشکار کرده و می‌فرمود: فلانی چنین و چنان کردی و تو را تأدیب نکردم آیا این مطلب را بخاطر داری؟

می‌گفت: بله، فرزند رسول خدا تا از تمامی آنها اقرار می‌گرفت. سپس در وسط آنان ایستاده و به آنان می‌فرمود: با صدای بلند بگویید:

علی بن الحسین پروردگارت تمام اعمال تو را ثبت نموده است، همانگونه که تو تمام کارهای ما را نوشتی. و او نوشته‌هایی دارد که حقیقت‌هایی را که بزبان تو است، می‌گوید و تمام گناهان کوچک و بزرگ تو را می‌نویسد، همانگونه که تو نوشته‌هایی داری که حقیقت‌هایی را که بزبان ماست می‌گوید و تمام کارهای کوچک و بزرگ ما را نوشته است. هر عملی را که انجام داده‌ای

عمل شریفی که سید قدس سره آن را در «اقبال» از «جعفر بن محمد الدورستی» از کتاب «حسنی» از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده است که فرمودند:

«کسی که در شب آخر ماه رمضان ده رکعت نماز بجا آورد، در هر رکعت یک بار فاتحه کتاب و ده بار قل هو الله احد بخواند و در سجده و رکوع خود ده بار بگوید: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر و در هر دو رکعت یک بار تشهد خوانده و سپس سلام بدهد، و در پایان ده رکعت نماز بعد از سلام دادن صد بار «استغفر الله» بگوید و هنگامی که از استغفار فارغ شد سجده کند و در سجده بگوید: «یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و الإکرام یا رحمن الدنیا و الآخرة و رحیمهما، یا اله الأولین و الآخین اغفر لنا ذنوبنا، و تقبل منا صلواتنا، و صیامنا و قیامنا» - قسم به کسی که مرا بحق به پیامبری برانگیخت، جبرئیل بنقل از اسرافیل و او از پروردگار متعال به من خبر داد که: - او سرش را از سجده برنمی‌دارد مگر این که خداوند او را آمرزیده، ماه رمضان را از او قبول نموده و از گناهانش می‌گذرد، گرچه هفتاد گناه انجام داده باشد که هر کدام از آنان بزرگتر از گناهان بندگان باشد، و از تمام اهالی منطقه‌ای که در آن است قبول می‌کند تا این که فرمود: این هدیه، مخصوص من و مردان و زنان اتم می‌باشد و خداوند متعال آن را به هیچکدام از پیامبران و مردم قبل از من نداده است». [۱]

مؤمنی که در پی اصلاح مردم بوده و بهره‌ای از رحمت خداوندی دارد، باید این نماز را بخاطر خیر زیادی که برای بندگان خدا دارد بخواند. عالمی که در طول ماه برای هدایت مردم و اصلاح اعمال آنان در جایگاه وعظ نشسته بود چگونه می‌تواند نسبت به این عمل جزئی که حتی باندازه یک جلسه وعظ نیز زحمت ندارد بی‌تفاوت باشد در حالی که بخوبی می‌داند که موعظه‌های او برای تمامی کسانی که در مجلس وعظ او حضور پیدا می‌کنند سودمند نیست، چه رسد به اهل منطقه‌اش که ممکن است گاهی جمعیت آن به چند میلیون نفر برسد. و نیز فایده وعظ برای آنان یک دهم فایده آمرزش و قبول تمامی اعمال این ماه که در روایت آمده نیست.

اگر کسی بگوید که روایت قطعی نیست. در جواب او باید گفت: با تمسک به «روایات تسامح» این مشکل حل می‌گردد. و اگر باز





ویژه نامه «شب آخر ماه رمضان»



در پیشگاه او حاضر می‌یابی، همانگونه که ما تمام کارهایمان را نزد تو حاضر یافتیم.

سخاوت، عادل، نیکی کننده و بخشنده‌ام.
آنگاه آنان می‌گفتند:
آقای ما تو و بدیهایت را عفو کردیم.
سپس به آنها می‌فرمود: بگویید:

پس عفو کن و نادیده بگیر، همانطور که از سلطان می‌خواهی تو را عفو کند. اگر از ما درگذری، او را با گذشت، مهربان و بخشنده خواهی یافت.

خداوند از علی بن الحسین در گذر همانگونه که ما را عفو کرد. و او را از آتش رها کن همانگونه که ما را از بردگی خارج کرد، آنان نیز همین را می‌گفتند.

و پروردگارت به هیچکس ظلم نمی‌کند. پس علی بن الحسین مقام پست خود را در پیشگاه پروردگار حکیم و عادل که باندازه دانه خردلی ستم نمی‌کند [۲] در نظر داشته باش.

که اگر باندازه وزن ذره خردلی باشد خداوند آن را می‌آورد و فقط خداوند را شاهد و حسابرس بدان. گذشت کن و ندیده بگیر، تا خداوند نیز از تو بگذرد و ندیده بگیرد.

آنگاه می‌گفت: اللَّهُمَّ آمین رب العالمین ، بروید من شما را عفو و شما را آزاد کردم به امید گذشت از خود و رهایی خودم. و آنان را آزاد می‌کرد.

که خداوند می‌فرماید: «باید گذشت کنند و ندیده بگیرند، آیا دوست ندارید خداوند گناهان شما را ببخشد.» [۳]

این کلمات را خطاب به خود می‌گفت و به آنان یاد می‌داد و آنان با او می‌گفتند. و در حالی که بین آنان ایستاده بود گریه می‌کرد و می‌گفت:

پروردگار ما ما را امر کردی که از کسی که به ما ستم روا داشته درگذریم. ما به خود ظلم کردیم و همانگونه که فرمودی از کسانی که به ما ظلم کردند گذشتیم. پس ما را عفو فرما.

خداوند متعال در هر شب ماه رمضان هفتاد میلیون نفر را از آتش رها می‌کند که همگی سزاوار آتش هستند. و هنگامی که شب آخر ماه رمضان فرا رسد بتعداد همه کسانی که در این ماه رها نموده است نجات می‌دهد. و من دوست دارم خداوند مرا ببیند که بامید نجات خودم از آتش، عده‌ای از کسانی را که مالک هستیم در سرای دنیا در راه خدا آزاد می‌نمایم.

هیچگاه خادمی را بیش از یک سال کامل به خدمت نگرفت. زیرا اگر برده‌ای را در اول یا وسط سال می‌خرید در شب فطر آزاد می‌کرد و عده دیگری را در سال بعد می‌خرید و سپس آزاد می‌نمود. و تا زمانی که به خداوند ملحق شد همینگونه بود.

زیرا تو از ما و کسانی که آنان را به عفو امر فرمودی، به آن سزاوارتری.

و امر فرمودی گدا را از در خانه‌های خود رد نکنیم و اکنون در حالی که گدایان و فقیرانی هستیم به سوی تو آمده و در آستانه و درت اقامت گزیده و بخشش، احسان و نیکی تو را خواهیم.

بدینوسیله بر ما منت گذار و ما را ناامید مگردان، زیرا تو از ما و کسانی که به این کار امر شده‌اند، به این مطلب شایسته‌تری. خدای من اکرام نمودی. بنابراین مرا که از گدایان تو هستم اکرام کن.

و با بخشش، نیکی نمودی پس مرا از عطایای خود بهره‌مند ساز. آنگاه به آنان رو کرده و می‌گفت:

و شما را عفو کردم آیا شما نیز از من و بدرفتاریم می‌گذرید؟ من بد مالکی هستم، پست ستمکار، و مملوک پادشاهی کریم، با

پس عفو کن و نادیده بگیر، همانطور که از سلطان می‌خواهی تو را عفو کند. اگر از ما درگذری، او را با گذشت، مهربان و بخشنده خواهی یافت.

و پروردگارت به هیچکس ظلم نمی‌کند. پس علی بن الحسین مقام پست خود را در پیشگاه پروردگار حکیم و عادل که باندازه دانه خردلی ستم نمی‌کند [۲] در نظر داشته باش.

که اگر باندازه وزن ذره خردلی باشد خداوند آن را می‌آورد و فقط خداوند را شاهد و حسابرس بدان. گذشت کن و ندیده بگیر، تا خداوند نیز از تو بگذرد و ندیده بگیرد.

آنگاه می‌گفت: اللَّهُمَّ آمین رب العالمین ، بروید من شما را عفو و شما را آزاد کردم به امید گذشت از خود و رهایی خودم. و آنان را آزاد می‌کرد.

که خداوند می‌فرماید: «باید گذشت کنند و ندیده بگیرند، آیا دوست ندارید خداوند گناهان شما را ببخشد.» [۳]

این کلمات را خطاب به خود می‌گفت و به آنان یاد می‌داد و آنان با او می‌گفتند. و در حالی که بین آنان ایستاده بود گریه می‌کرد و می‌گفت:

پروردگار ما ما را امر کردی که از کسی که به ما ستم روا داشته درگذریم. ما به خود ظلم کردیم و همانگونه که فرمودی از کسانی که به ما ظلم کردند گذشتیم. پس ما را عفو فرما.

زیرا تو از ما و کسانی که آنان را به عفو امر فرمودی، به آن سزاوارتری.

و امر فرمودی گدا را از در خانه‌های خود رد نکنیم و اکنون در حالی که گدایان و فقیرانی هستیم به سوی تو آمده و در آستانه و درت اقامت گزیده و بخشش، احسان و نیکی تو را خواهیم.

بدینوسیله بر ما منت گذار و ما را ناامید مگردان، زیرا تو از ما و کسانی که به این کار امر شده‌اند، به این مطلب شایسته‌تری. خدای من اکرام نمودی. بنابراین مرا که از گدایان تو هستم اکرام کن.

و با بخشش، نیکی نمودی پس مرا از عطایای خود بهره‌مند ساز. آنگاه به آنان رو کرده و می‌گفت:

و شما را عفو کردم آیا شما نیز از من و بدرفتاریم می‌گذرید؟ من بد مالکی هستم، پست ستمکار، و مملوک پادشاهی کریم، با



ویژه نامه «شب آخر ماه رمضان»



ج- اکتفا نکردن به گفتار، بلکه انجام آن با اعضای بدن، باعث تأثیر گذاشتن بر دیگران و الگو گرفتن آنان و رواج این سنت نیکو در میان جامعه می‌شود. بهمین جهت اگر امام علیه السلام فقط به عبادت قلبی اکتفا می‌فرمودند این مطلب به ما نمی‌رسید و نمی‌توانستیم به آن عمل کنیم.

و بطور کلی اعضای بدن نیز بهره‌ای از نور عمل داشته و انجام عمل با اعضای بدن باعث ایجاد نور دیگری در قلب علاوه بر نور عمل قلبی آن می‌گردد.

محاسبه نفس

۳- از کارهای مهم این است که مانند شریکی که در پایان کار با شریک خود تسویه حساب می‌کند، از نفس خود حساب کشیده، و سرمایه خود را که همان عمر، ایمان و برکات ماه رمضان و نورهای آن می‌باشد را در نظر آورد، و ببیند آیا ایمان او به خدا، رسول، کتاب و حجت‌های او و روز قیامت بیشتر شده است یا نه؟

اخلاق او که از این معارف سرچشمه گرفته، چگونه است؟ خوف و رجا، صبر، زهد، خلوت نمودن برای ذکر خدا و تفکری که باعث انس است، شناختی که محبت را بدنبال داشته و محبتی که به رضایت، تسلیم و توحید منجر شود، شرح صدر ناشی از نور شناخت در دیدن غیب و گشادگی قلب او در تحمل بلاها و حفظ اسرار، تا چه اندازه‌ای است؟ چگونه در «سرای فریب» آرام نگرفته و به «سرای جاوید» بازگشت کرده است؟

آیا ماه رمضان و اعمال این ماه تأثیری در این امور داشته است یا نه؟ در مورد افعال و حرکت‌های اعضای بدنش بیندیشد. آیا همانگونه باقی مانده یا در این مورد بیشتر به احکام الهی توجه نموده است؟

بخصوص نسبت به حرکت‌های زبانش هنگام سخن گفتن در مورد آنچه به او مربوط نبوده، سخنان باطل، دروغ، غیبت، تهمت، تعرض به آبروی مؤمنین، فحش، اذیت و غیره. اگر ببیند که تمام این موارد همانطور که بوده باقی مانده، باید بداند که این مطلب ناشی از کارهای بد او در این ماه پر برکت بوده و تاریکی گناهانش بر نورهای این شهر درخشان و روشنی بخش فائق آمده است. زیرا ممکن نیست که نورهای ماه رمضان، شبهای قدر و این دعاهای گرانقدر قلب او را روشن کند ولی باز هم به گناهان سابق خود ادامه دهد.

کسی که چنین ضرری کرده است، باید از خطر دعای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بترسد، آنجا که می‌فرمایند:

نماید. و بهتر است آنچه را که ثبت کرده است یکی یکی گفته و با پروردگار خود مناجات (نجوا) نماید و بگوید:

خداوندا فلان بنده‌ات در فلان مورد به من ظلم کرد و من صبر کردم و... آنگاه بگوید: خدایا می‌دانی به من ظلم کردند و فقط بخاطر ترس از تو از آنان انتقام نگرفتم.

باین امید که تو نیز عذاب خود را از من بازداری. بندگان را امر به عفو نمودی. پس آنان را از عفو خود محروم مفرما که شما به عفو شایسته‌تر از کسانی هستی که آنان را به عفو دستور دادی.

خدایا به من توفیق دادی که کسانی را که به من ستم کردند ببخشم و بدین وسیله بر من منت گذاشتی. پس مرا از عفو محروم مفرما. زیرا منت تو بجهت گذشت من از دیگران، بزرگتر از منت گذشت تو از من می‌باشد. و بخاطر این منت بزرگ آن منت کوچک را هم نصیبم مفرما.

خداوندا بنده، مالک حقیقی نیست و حق (خداوند) مالک اوست. پس کسی که به من ستم کند حق تو را از بین برده و هنگامی که امر فرمودی که او را عفو نمایم در حقیقت تو او را عفو نمودی. پس آنگاه که او را عفو می‌نمایی از من نیز درگذر.

خداوندا دستور دادی کسی را که به ما تحیت و درود می‌فرستد بهتر از او جواب گوئیم و اکنون پاسخ بهتر این است که در مقابل این عمل من که بخاطر رضای تو از کسانی که به من ظلم نمودند گذشتم مرا با آتش نسوزانی و در مقابل امید من به عفو فراوان و فضل بعد از عفو، گناهانم را به چند برابر نیکی تبدیل نموده و بدین وسیله من را به درجات بلندی رسانیده و امیدم را ناامید نگردانی.

آثار این عمل

گرچه صرف قصد این مطالب در دل مؤثر است ولی گفتن تمامی آن و انجام آن با اعضای بدن اثرات مخصوصی دارد از قبیل:

الف- همانگونه که عمل قلبی عبادتی قلبی محسوب می‌شود، همانطور نیز انجام آن با اعضای بدن عبادتی بدنی محسوب می‌گردد.

ب- این عمل باعث تأثیر خاص و رفتی در قلب می‌شود که عمل قلبی بتنهایی این اثر را ندارد. و نیز باعث انجام عملی دیگر می‌گردد که او نیز مؤثر بوده و بدین ترتیب فیض ادامه پیدا می‌کند.



ویژه نامه «شب آخر ماه رمضان»



و موجودات در هر عالمی شکل و خصوصیتی مخصوص به آن دارند که با شکل و خصوصیات این عالم فرق می کند.

یکی از خصوصیات که بعضی از عالمهای برتر دارند این است که تمام موجودات آن زنده بوده و دارای شعور می باشند و شاید این آیه هم اشاره به همین مطلب داشته باشد: «و همانا سرای آخرت بهترین زندگی است.» [۷] زیرا فقط سرای آخرت را زندگی نامیده است.

روایاتی که درباره سخن گفتن میوه ها در بهشت و خوشحال شدن تخت و سرور او بخاطر تکیه زدن مؤمن بر آن وارد شده است نیز دلالت بر حیات موجودات در عالم آخرت دارد و حتی بعضی از روایات دلالت بر سخن گفتن زمین با مؤمن و کافر دارد.

سخن گفتن سنگریزه در دست رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که از معجزات آن بزرگوار است نیز از همین قبیل است، زیرا سخن گفتن آن در ملکوتش می باشد. و اعجاز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فقط در رسانیدن سخن گفتن (با زبان ملکوتی) او به گوش مردم این جهان است.

حتی تمام معجزاتی که پیامبران و اولیاء از خود بروز داده اند، از قبیل به سخن واداشتن جمادات و زنده کردن آنها، از همین قبیل است.

زندگی عصای موسی و پرنده عیسی یک زندگی ملکوتی و بر اهل این عالم پوشیده بود و زمانی که خداوند لازم دید این زندگی را برای مردم آشکار نمود.

زمان نیز در بعضی از عوالم خود زنده و دارای شعور است.

پس وداع با او و مخاطب ساختن او در عالم خودش چه اشکالی دارد مهم این است که وداع کننده باید در اظهار غم و اندوه هنگام وداع راستگو باشد، تا مبادا با دروغ و نفاق - در چنین زمان گرانقدری - این ماه را به پایان برساند، گرچه چنین صداقتی فقط برای کسانی تحقق پیدا می کند که با اشتیاق و علاقه نه با نارضایتی و زحمت این ماه را بسر برده باشند.

بطور کلی غم در ماهیت وداع وجود دارد، و فقط کسی غمگین می شود که به همراه وداع کننده خود علاقمند باشد و چنین کسی نه تنها با او مخالفت نمی کند، بلکه آنچه را که مورد علاقه اوست بجا می آورد.

بنابراین اگر از آمدن ماه رمضان و روزه و عبادت های آن خوشحال

«خداوند کسی را که از ماه رمضان خارج شود و آمرزیده نشود نیامرزد.» [۴]

زیرا یکی از سخت ترین مصیبت ها و بزرگترین بلاها همین است. باید با یاری خدا، پناه آوردن به رحمت و رفتن به درگاه او - و در حالی که با زبان حال می گوید:

«ای کسی که به داد بیچاره می رسی هنگامی که تو را بخواند و گرفتاری او را برطرف می نمایی» [۵]

خود را اصلاح نموده، بر گناهان خود گریسته و آثار این اعتراف صادقانه را در خود هویدا سازد و با زبان حال بگوید: «هیچ خدایی بجز تو نیست تنزیه می کنم تو را و منم که ستمکارم» [۶] یکی از نشانه های اصلاح حال داشتن علامت گناهکاران و ترس آنان و آمرزش خواستن از خدای متعال باندازه گناهان می باشد.

و اگر نفس او که عادت به تنبلی نموده است، نتواند او را برای بجا آوردن حق استغفار یاری کند، باید از دری که شیطان از آن در وارد شد و به مراد خود رسید که همان در ناامید نشدن است بر خداوند وارد شود. و بالاخره باید در آخر ماه تمام چیزهایی را که از دین خود ضایع کرده جبران نماید، تا برای روز عید و دیدار با خداوند در این روز آماده شده و از فواید آن محروم نشود. و بدین ترتیب به زبانی جبران ناپذیر گرفتار نگردد.

وداع با ماه رمضان

۴- کار مهم دیگر وداع ماه رمضان و متأثر شدن بخاطر جدایی از آن است. در این رابطه دعاها و مناجات هایی پرارزش با ماه بزرگ خدا رسیده است.

توضیح وداع با ماه رمضان

اگر خدا حافظی با «زمان» - که فاقد درک سخن ما و خدا حافظی است - برایت مشکل است به جواب سید - قدس الله سره - در اقبال مراجعه کن. و اگر به آن قانع نشدی این مطالب را بخوان:

زمان و مکان و سایر چیزهایی که از قبیل حیوانات نیستند، گرچه در این عالم و به این شکل درک و شعوری ندارند ولی تمام آنها در بعضی از عالمهای بالاتر دارای زندگی، درک، توانایی سخن گفتن و بیان نمودن و دوستی و دشمنی می باشند.

و روایات بسیاری که درباره احوال عالم برزخ و قیامت رسیده و نیز مکاشفات اهل مکاشفه این مطلب را ثابت می کند. تمام موجودات این عالم، قبل از بوجود آمدن، در عالمهای دیگری بوجود آمده اند



ویژه نامه «شب آخر ماه رمضان»



پیامبران و رسولان و فرشتگان مقرب خواهد نشانند[۸]، چگونه با این میهمان برخورد می‌کنی و از همراهی آن لذت می‌بری و چگونه از او مراقبت کرده و خود، خانواده و تمام چیزهایی را که برای تو عزیز است فدای آن می‌کنی و چگونه از جدایی آن به وحشت می‌افتی در این هنگام با حالتی با آن وداع می‌کنی که سرور سجده کنندگان علیه السلام با آن وداع نمود، و ماه رمضان نیز آنگونه که با او وداع نمود با تو وداع خواهد کرد.

و حتی بهتر از وداع تو با تو وداع می‌کند و هنگام وداع با تو بالاتر از آنچه که تو اظهار کردی، اظهار می‌کند. زیرا همیشه عنایت مقام بالا بهتر و کاملتر از مقام پایین است.

و اگر حال تو در تمام ماه یکسان نبود، یعنی گاهی از وجود ماه رمضان راضی، از همراهی آن خوشحال، با نورهای آن نورانی، از فیوضات پاک و برکات آن با بهره، آگاه به فواید آن، شکرگزار نعمت های آن، بیاد دارنده منتهای آن، جدی در مراقبت آن، از توشه‌های آن با بهره و با اثرهای بزرگ آن سعادتمند بوده، و گاهی از این امور غافل یا مخالف با مقتضای آن باشد، باید در آخرین شب با معذرت خواهی صادقانه و اظهار توبه و پشیمانی برخاسته از دل، نه زبان، او را راضی کنی.

زیرا او مهمان بزرگواری است که کریمترین کریمان او را فرستاده تا خیر او به تو برسد و با کمی سخنان لطیف در هنگام معذرت خواهی، از تو راضی خواهد شد.

مصیبتی را که در طول این ماه بر خود وارد کرده‌ای می‌توانی با پشیمانی صادقانه و آمادگی کامل جبران کنی و با این عبارت لطیف بگویی:

«خدایا با این ماه و کرامت بزرگ که کسی از مقدار آن آگاه نیست ما را بزرگ داشتی ولی ما آن را تباه کردیم.

و همانطور که بهتر از همه می‌دانی بر خود ستم کردیم. شبها و روزهای این ماه گذشت. اکنون عنایتی از عنایات تو نصیبم گشته، از خواب غفلت بیدار شده و مصیبت و جنایت بزرگ خود را فهمیدم.

در حالی که اکنون به هلاکت نزدیک شده‌ام، در پیشگاه تو به بدکاری و تباه کردن این کرامت بزرگ و قرار دادن خود در هلاکت جاوید و افسوس بزرگ، معترف هستم.

اکنون چه کسی مرا از عذابت نجات می‌دهد و چه کسی مرا از آثار اعمال بدم که در دل قرار دارد رها خواهد نمود با این بدحالی

باشی و به آن علاقمند بوده و نسبت به انجام اعمالی که در این ماه وارد شده، با توجه و در این جهت جدی و به کرامت، فضل و فایده آن - آنگونه که باید - معتقد باشی، طبیعی است که از جدایی آن غمگین شده و بسر آمدن آن برای تو سخت است. و در چنین صورتی اگر بگویی:

«السلام علیک من قرین جَلّ قدره موجودا و افجع فراقه مفقودا، سلام بر تو که همراهی و وجودت گرانبهادر و نبودن و جداییت فاجعه است».

راستگو خواهی بود. و نیز اگر در مناجات با پروردگار خود بگویی:

«نحن مودعوه وداع من عز فراقه فغمنا، و اوحش انصرافه عنا فهمنا، ما با او مانند کسی که جدایی از او سخت و رفتن او موجب وحشت است، وداع کرده و غمگین شدیم.» گفتار تو صادقانه خواهد بود.

ولی اگر - پناه بر خدا - این ماه برای تو سخت بوده و با سختی روزه و عبادت‌های آن را انجام داده باشی از باقی ماندن آن ناراحت باشی و در پایان ماه با چنین سخنانی با این ماه وداع کنی، ماه رمضان تو را دروغگو خواهد دانست و در جواب تو می‌گوید:

«از سخنانت خجالت نمی‌کشی، به همراهی من راضی نبودی و من برای تو سخت بودم، به خیرات و هدایا و تحفه‌هایی که برای تو بود بی‌اعتنایی می‌کردی و با اشتیاق و رغبت به استقبال من نیامدی، با انس و علاقه مرا همراهی نکرده و مشتاق تمام شدن و جداییم بودی و اکنون در قلبت از جدایی من خوشحال ولی با زیانت اظهار غم و اندوه می‌نمایی» در این صورت اگر خداوند در جواب مناجات از تو روی گردانده یا بخاطر دروغ گفتن و کوچک دانستن جناب قدسش تو را مجازات نماید، چه حالی خواهی داشت اگر از مقام ماه رمضان نزد خدا و باندازه فضل و نعمتی که برای تو داشته است آگاهی داشته باشی متناسب با نیکی‌هایی که نسبت به تو انجام داده و رفتار کریمانه‌ای که با تو داشته با آن برخورد خواهی کرد.

و برای این که مقام این ماه برای تو روشن شود، می‌توانی آن را مانند میهمان بزرگواری که بر تو وارد شده بدانی که با آمدن او سود تو بیشتر شده و مقامت بالاتر رفته است، همانگونه که در روایات آمده است.

اگر بدانی که این میهمان باعث نجات تو از جهنم و رسانیدن تو به بالاترین درجات نزدیکی در بهترین مکانهای صدرنشین بهشت همراه با پیامبران و صدیقین شده، و تو را در مکان صدق همراه



ویژه نامه شب آخر ماه رمضان



و در میان هلاکت خود با یادآوری تو فهمیدم که مرا به حال خود و غفلتم رها نکرده و در «توبه» را بر من بسته‌ای.

بنابراین از رحمت تو نومید نمی‌گردم. زیرا غیر از کافران کسی از بخشش تو نومید نمی‌گردد. و از رحمتت مأیوس نمی‌گردم زیرا بجز زیانکاران کسی از رحمت تو مأیوس نمی‌شود.

پس با رحمتی که بندگان هلاک شده‌ات را با آن نجات داده، با قبولی که با آن ساحران فرعون را پذیرفته و با اجابتی که فرعون و بدترین دشمنان، شیطان - که مهلت خواست و به او دادی - را اجابت کردی مرا نیز نجات ده، با قبول خود مرا بپذیر و دعایم را در این شب اجابت کن و آنگاه گناهانم را به چند برابر اعمال خیر مبدل گردان، نامم را در این ماه مبارک از دفتر سیاه روزان جهنم پاک، و در دفتر رستگاران در بهترین جای بهشت ثبت بفرما، و مرا به دوستان قدیمی و برگزیدگان نزدیک خود ملحق فرما، بحق محمد و آل پاک او - درود تو بر تمامی آنان باد.

خدایا گناهان و کمی حیایم رویم را نزد تو سیاه کرده است. پس با روی نورانی آل محمد - درود تو بر آنان باد - به سویت روی آوردم تا مرا قبول نمایی و پناهم دهی.

خدایا این ماه سرای میهمانی تو است و دوست نداری که میهماندار از میهمان خود پذیرایی نکند، گرچه میهمان از کسانی باشد که پذیرایی نکردن از او، او را نابود نکرده و میهماندار از کسانی باشد که احسان، دارایی او را کم می‌کند.

و اگر تو مرا از پذیرایی خود محروم نمایی در پناه تو گرسنه مانده و به هلاکت می‌رسم، ای کسی که احسانش دارایی او را افزایش می‌دهد»

توبه

۵- آنگاه توجه داشته باش که با بازگشتی صادقانه ماه را به پایان رسانده و از این پس با اهداف پروردگار و مولایت مخالفت نکنی.

مناجات با نگهبان روز

۶- سپس در ساعات پایانی روز آخر، که روز عرضه اعمال ماه است، با نگهبان روزت که از معصومین علیهم السلام می‌باشد با رعایت آداب تواضع و توسل، مناجات نما، و آنگونه بگو که محبت آنان را برانگیخته و باران رحمت و کرامت آنان بر تو ببارد.

و با معذرت خواهی اعمالی را که در این ماه انجام داده‌ای را به آنان واگذار نما و با درخواستی تضرع‌آمیز بخواه که با شفاعت و دعایشان اعمالت را اصلاح نموده و با تضرع از خدا بخواهند که

- پانویس**
۱. إقبال الأعمال: ۱ - ۴۱۷ - ۴۱۹
 ۲. إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ. لقمان. ۱۶.
 ۳. وَ لِيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ . نور. ۲۲.
 ۴. «من انسلخ عنه شهر رمضان و لم يغفر له فلا غفر الله له» إقبال الأعمال: ۱ - ۴۵۴
 ۵. أَمْ مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ. نمل. ۶۲
 ۶. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ. أنبياء. ۸۷.
 ۷. وَ إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْخَيْرُ مِنَ الدَّارِ الْأُولَىٰ. عنكبوت. ۶۴.
 ۸. فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ. قمر. ۵۵.



فِيهِ تَلَوْتُمُ الْقُرْآنَ الَّذِي نَزَّلْنَا فِيهِ الْحِكْمَ وَالنُّبْرَةَ الَّتِي تَحْكُمُ بِهَا اللَّهُ عَلَى رُسُلِهِ وَالْحَقَّ اللَّهُ عَلِيمٌ

ما احتیاج داریم به این که از این ساعات، از این روزها و شبهای پربرکت (ماه رمضان) حداکثر بهره را ببریم؛ با تقویت رابطه‌ی قلبی خودمان با عالم معنا، با عالم غیب، با ابتهال و تضرع و خشوع در مقابل رب الارباب، و با استحکام پیوند ولایت خودمان با اهل بیت (علیهم‌السلام) و این خاندان مکرم.

